

## بررسی تعارضات زناشویی و عوامل موثر بر آن در میان زنان ساکن در بوشهر

زینت فرامرز<sup>۱</sup>، غلامرضا جعفری نیا<sup>۲\*</sup>، حبیب پاسالارزاده<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دکتری جامعه شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

۲- استادیار گروه جامعه شناسی واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

۳- استادیار گروه جامعه شناسی واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

### چکیده

تعارضات در خانواده و از جمله تعارضات زناشویی در حال حاضر به رغم طبیعی بودن، به یکی از موضوعات مورد توجه محققین قرار گرفته است. زیرا اگر چنانچه این تعارضات شدت گرفته و مدیریت نشود می تواند موجبات آشفتگی و طلاق را فراهم سازد. لذا با توجه به اهمیت آن، پژوهش حاضر به مطالعه جامعه شناختی این موضوع پرداخته است. این پژوهش، یک بررسی کمی بوده که با استفاده از تکنیک پیمایش انجام گرفته است. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه و جامعه آماری نیز تمامی زنان متأهل شهر بوشهر بوده که با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که فرضیات مربوط به سن، مدت ازدواج و تعداد فرزندان، تأیید شده، و رابطه آماری معناداری میان این متغیرها و تعارضات زناشویی مشاهده شده است. اما میان وضعیت اشتغال، تحصیلات پاسخگو و تحصیلات همسر با تعارضات زناشویی هیچ گونه رابطه آماری معناداری مشاهده نشد. در مجموع می توان نتیجه گیری کرد. علیرغم اینکه تعارضات زناشویی بیشتر در حوزه روانشناختی مورد بحث است و به عنوان یک مسأله روان شناختی مورد توجه قرار دارد. اما به شدت تحت تأثیر مولفه های اجتماعی فرهنگی بوده و لازم است تا مسئولین در حوزه خانواده در سیاستگذاری ها و برنامه ریزیها به این متغیرها نیز توجه کافی داشته باشند.

**واژه های کلیدی:** تعارضات زناشویی، زنان، اشتغال، تحصیلات.

### مقدمه و بیان مسئله

در جامعه و فرهنگ ایرانی، همواره نسبت به خانواده، نگرشی مثبت وجود داشته و به عنوان یکی از نهادهای مهم و اساسی دارای قداست و حرمت خاصی بوده و همیشه قوام و حفظ این نهاد ارزشمند مورد تأکید است. خانواده، به عنوان یک نهاد اجتماعی اولیه و حیاتی، سلامت فرد و بقای جامعه را تأمین و تضمین می کند. یک خانواده پویا و کارآمد، موجب بقای نسل، آسایش و آرامش زوجین، تکامل روانی، جسمانی و اخلاقی خواهد شد. به درستی هیچ جامعه ای

نمی‌تواند ادعای سلامت کند، چنان‌چه از خانواده‌های سالم برخوردار نباشد. باز بی‌هیچ شبهه، هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده پدید آمده باشد (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۱۱). خانواده، دین و دولت به لحاظ تاریخی سه نهاد اصلی و موثر در کل جوامع‌اند. با وجود اهمیت هر سه نهاد، به نظر می‌آید خانواده در مقایسه با دیگر نهادهای اجتماعی اهمیت بیشتری داشته باشد. خانواده علاوه بر مذهب، تنها نهاد اجتماعی است که در همه جوامع، پذیرفته شده و توسعه یافته است (آزادارمکی، ۱۳۹۳: ۳۵).

اما همین خانواده همواره به وسیله عوامل متعددی در معرض تعارض بوده و شاید بتوان گفت که بروز تعارض در روابط انسانها به ویژه افرادی که با یکدیگر زندگی می‌کنند، اجتناب‌ناپذیر است. اما گاهی این تعارض تا جایی پیش می‌رود که به اساس و بنیان خانواده، آسیبهای جدی وارد می‌کند. به دنبال تحولات و تغییرات رو به رشدی که در جوامع بشری به وجود آمده، تغییرات شگرفی در ساختار خانواده رخ داده و در حقیقت پدیده صنعتی شدن و مدرنیته شدن جوامع بشری، این نهاد را در بسیاری از موارد تحت تأثیر قرار داده است. در بسیاری از موارد این تغییرات منفی و در بسیاری از موارد هم مثبت ارزیابی شده است. اما آنچه مسلم است در جامعه امروزی، خانواده بیش از هر زمان دیگر با بحران روبرو شده است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۹).

تعارض به عنوان مسأله اصلی پژوهش حاضر، یکی از همین چالشهایی است که نهاد خانواده و به ویژه زوجین در جامعه مدرن امروزی به طور جدی با آن مواجه‌اند. تعارض به معنای عدم توافق و مخالفت دو فرد با یکدیگر، ناسازگاری و ستیزه میان افراد در اثر منافع ناهمسو و اختلاف اهداف و ادراکات مختلف است. در این شرایط پذیرش تفاوت‌های طرف مقابل بسیار سخت و دشوار است و همین امر مشکلات ارتباطی زیادی برای زوجین ایجاد می‌کند. تعارضات زناشویی زمانی رخ می‌دهند و شدت می‌گیرند که فرد میان اهداف، نیازها و امیال شخصی خود و همسرش ناهمسازی و ناهمخوانی مشاهده کند. در این شرایط است که خانواده از مسیر بهنجار و طبیعی خود فاصله گرفته (رسولی و فلاحت، ۱۳۹۲: ۸۶۰) و پیامدهای متعددی مانند ضعف روابط جنسی، عدم سازگاری کودکان، احتمال افزایش تعارض بین والدین و فرزندان و نیز بین خویشاوندان را تجربه کنند (فخرایی، ۱۳۸۶ به نقل از یوسفی و عزیز، ۱۳۹۷: ۵۹). همچنین اختلالات جسمانی و روانی مانند افسردگی، مصرف مواد مخدر، کاهش ایمنی بدن، افزایش فشار خون، خشونت و سرانجام طلاق، از جمله عواقب تعارضات زناشویی است (رسولی و فلاحت، ۱۳۹۲: ۸۶۰). کاهش کیفیت زندگی (کوبین و دونی، ۱۹۹۱: ۴۰۱ و اولیری و اسمیت، ۱۹۹۱: ۹۱)، فرزندپروری ضعیفتر (ارل و بورمن، ۱۹۹۵: ۱۰۸) و افزایش تعارضات بین فرزندان یعنی خواهر و برادرها (برادی و همکاران، ۱۹۹۴: ۷۷۱) از جمله پیامدهای مهم تعارضات زناشویی شناخته شده است که در ادبیات تحقیق داخلی و خارجی به کرات به آنها اشاره شده است.

نهاد خانواده در دوران حاضر، دستخوش تغییرات وسیعی شده که این تغییرات نه نسبت به قرن‌های گذشته که نسبت به دهه‌های اخیر نیز شگرف و قابل توجه است. صنعتی شدن و شهری شدن دو فرایندی است که تغییرات جدیدی در زندگی فردی و اجتماعی پدید آورده‌اند. این در حالی است که در جامعه امروز به دلایل متعددی چون گذر از سنت به مدرنیته، تغییر نظام خانواده‌ها و فشارهای شغلی و اجتماعی و همچنین پیدا شدن نقش‌های جدید مانند نقش اشتغال بیرون از خانه و اضافه شدن آن به نقش‌های سنتی زنان و با توجه به اهمیت ویژه و جایگاه والایی که نقش‌های سنتی همچون همسری و مادری زنان در نظر همسرانشان در فرهنگ ایرانی داراست مشکلات و تعارض‌های خانوادگی و زناشویی

افزایش چشمگیری یافته اند و شواهد فراوانی گویای آن هستند که زوج ها در جامعه امروزی برای برقراری و حفظ روابط صمیمی و دوستانه به مشکلات شدید و فراگیری دچارند. جامعه ایران نیز از این روند تغییر و تحولات مستثنی نبوده و دگرگونی های زیادی در نهاد خانواده را تجربه نموده است. یکی از این تغییرات در حوزه خانواده، تغییر در روابط همسران است. آمار طلاق و روند افزایشی آن حاکی از این نکته مهم است که روابط همسران در سالهای اخیر، دستخوش تغییراتی شده است. این تغییرات می تواند مثبت و یا منفی باشد. بروز تعارضات زناشویی به عنوان یکی از مفاهیم مهم در خانواده مطرح است. در حال حاضر، خانواده ایرانی با چالش های بسیاری مواجه است. تغییر نقش و جایگاه زنان، افزایش میزان طلاق، کاهش میزان ازدواج، شکاف نسلی، خشونت خانگی و نظایر آنها، خانواده و همین طور حجم و ساختار سرمایه های در اختیار خانواده ها را تحت الشعاع خود قرار داده است. نفوذ مدرنیته در ایران و تغییرات شدید در کارکردهای خانواده، موجب توجه بیشتر کارشناسان و محققین مرتبط به ویژه در حوزه مطالعات خانواده شده است.

با توجه به اینکه خانواده در سعادت و سلامت یک جامعه و بویژه نسل آینده نقش انکارناپذیری دارد، مسائل مربوط به آن حتی اگر به صورت یک مسئله و بحران جدی اجتماعی نیز در نیامده باشند، ارزش و اهمیت لازم برای بررسی را دارد. در واقع در ارتباط با نهادی نظیر خانواده قبل از آنکه مسائل به بحران تبدیل شود، بایستی با انجام تحقیقات لازم بسترهای مورد نیاز برای آموزش و مشاوره و حمایت از این نهاد مقدس را فراهم ساخت تا با تحکیم روزافزون آن زمینه ترقی و تعالی یکایک اعضای جامعه فراهم شود. این در حالی است که آمار روزافزون طلاق و عدم مهارتهای کافی در رفع تعارضات زناشویی و حل مسأله در جامعه ایران، نشان از یک بحران جدی داشته و پیامدهای آن بسیار گسترده و وسیع است. مطالعه حاضر نیز با توجه به اهمیت و جایگاه خانواده سالم و با اهتمام به نقش مولفه های اجتماعی فرهنگی در بروز تعارضات زناشویی، با هدف کلی عوامل موثر بر تعارضات زناشویی به آن پرداخته که تعیین شدت تعارضات زناشویی در موضوعات مختلف و همچنین شناسایی رابطه متغیرهای زمینه ای، اجتماعی - فرهنگی با تعارضات زناشویی از اهداف جری آن می باشند.

### پیشینه پژوهش

بابایی (۱۳۹۷) به پیش بینی تعارضات زناشویی درگیر خشونت خانگی براساس طرحواره های جنسی، عملکرد جنسی و رضایت جنسی پرداخت. پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری، کلیه زنان مراجعه کننده به پزشکی قانونی ساری در نیمه اول سال ۹۵ بوده که از بین آنها ۹۵ نفر به شیوه روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. به منظور جمع آوری داده از پرسشنامه های تعارضات زناشویی، طرحواره های جنسی، رضایت جنسی و عملکرد جنسی استفاده شد. یافته ها نشان داد که بین طرحواره های جنسی، عملکرد جنسی و رضایت جنسی با تعارضات زناشویی رابطه معکوس معناداری وجود داشت. به عبارت دیگر طرحواره های جنسی مثبت، عملکرد جنسی بالا و رضایت جنسی بالا بطور معناداری تعارضات زناشویی کمتری را بدنبال دارد.

رضاپور و همکاران (۱۳۹۶) به پیش بینی خودشیفتگی، ادراک تعاملات اجتماعی و تعارضات زناشویی بر اساس استفاده از شبکه های اجتماعی که در زندگی آنان داشته است پرداختند. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش شبکه های

اجتماعی مجازی در خودشیفتگی، ادراک تعاملات اجتماعی و تعارضات زناشویی زوجین استفاده کننده از شبکه های اجتماعی بود. طرح پژوهش از نوع همبستگی بوده و جامعه آماری را زوجین استفاده کننده از شبکه های اجتماعی شهر زنجان تشکیل داده که زوجی که از شبکه های اجتماعی به صورت گسترده استفاده می کردند به صورت در دسترس انتخاب شدند. یافته ها نشان داد که بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی با تعارضات زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین بین تعارضات زناشویی با خودشیفتگی رابطه مثبت معنادار و با ادراک تعامل اجتماعی رابطه منفی معنادار وجود دارد.

فیضی منش و یاراحمدی (۱۳۹۶) به بررسی رابطه منبع کنترل و خودکارآمدی با تعارضات زناشویی در دانشجویان پرداختند. این مطالعه بر روی ۱۰۲ نفر از دانشجویان متأهل انجام شد و از ابزار پرسشنامه جهت گردآوری داده ها استفاده شد. یافته های پژوهش نشان داد که بین منبع کنترل و تعارضات زناشویی دانشجویی رابطه آماری معناداری وجود نداشته و بین میزان خودکارآمدی دانشجویان مورد مطالعه و تعارضات زناشویی آنان رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

میرشمیری و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی رابطه بین احقاق جنسی و تعارضات زناشویی در زنان پرداختند. بدین منظور تعداد ۲۲۵ نفر از زنان متاهلی که در سال ۱۳۹۳ در شهرستان زرین شهر استان اصفهان ساکن بوده اند، به طور تصادفی انتخاب گردیده و به پرسش نامه های احقاق جنسی هالبرت و تعارضات زناشویی باقر ثنایی پاسخ داده اند. تجزیه و تحلیل یافته ها نشان داد که بین احقاق جنسی زنان متاهل و تعارضات زناشویی آنان رابطه ی قوی، منفی و معنی دار  $0.203$  - وجود دارد ( $p < 0.05$ ). به علاوه، بین احقاق جنسی زنان و مولفه های کاهش رابطه جنسی  $0.131$  - افزایش واکنش های هیجانی  $0.149$  - جدا کردن امور مالی از یکدیگر  $0.188$  - و کاهش ارتباط موثر زوجین  $0.249$  - رابطه منفی و معنی دار بود و قوی ترین رابطه، بین احقاق جنسی و کاهش ارتباط موثر مشاهده گردید.

عطادخت و همکاران (۱۳۹۵) نقش میزان پایداری زنان خانواده ها به سبک زندگی اسلامی در پیش بینی تعارضات خانوادگی را مورد مطالعه خود قرار دادند. روش مطالعه به صورت توصیفی - همبستگی بود و جامعه آماری شامل کلیه زنان متاهل ساکن استان اردبیل بودند. از بین این زنان، ۳۷۷ نفر با روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شده و با پرسش نامه های سبک زندگی اسلامی (ILST) و تعارضات زناشویی (MSQ) مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که مولفه های اجتماعی، باورها، اخلاقی، مالی، خانوادگی، سلامت، تفکر و علم، امنیتی - دفاعی و مولفه زمان شناسی سبک زندگی اسلامی با کلیه مولفه های تعارضات زناشویی رابطه منفی و معکوس دارند و این مولفه ها ۳۷ درصد از واریانس تعارضات زناشویی را تبیین می کنند ( $p < 0.001$ ).

استفان و همکاران (۲۰۱۶) به مطالعه پیامدهای تعارضات زناشویی بر رفتارهای جوانان پرداختند. این مطالعه بر روی ۱۵۰۰ جوان اروپایی و امریکای لاتین انجام گرفت و با استفاده از ابزار پرسشنامه، داده ها جمع آوری شدند. پس از تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار مشاهده شد که یافته های پژوهش، سایر ادبیات موجود در این زمینه را مورد تایید قرار داده و نشان می دهد که تعارضات زناشویی با رفتارهای جوانان در ارتباط آماری معناداری بوده و در این میان تعارضات زناشویی آشکار، بیش از تعارضات پنهان، پیش بینی کننده رفتارهای جوانان است.

کارولین (۲۰۱۵) به بررسی علل تعارضات زناشویی در میان زوجین نیجریه پرداخت. این مطالعه، مناطق روستایی و شهری را مورد توجه خود قرار داده و دو فرضیه مبنی بر رابطه سطح تحصیلات و طول مدت ازدواج را با تعارضات

زناشویی مورد آزمون قرار داد. یافته‌ها نشان داد که هر دو فرضیه رد شده و رابطه آماری معناداری میان تحصیلات و طول مدت ازدواج با تعارضات زناشویی مشاهده نشد. همچنین این مطالعه نشان داد که تعارضات زناشویی، به طور اجتناب ناپذیری میان زوجین مورد مطالعه وجود دارد.

سو یان کیم و همکاران (در سال ۲۰۱۳) مطالعه‌ای بر روی سی زوج انجام دادند و برنامه تجربی از افزایش همدلی بر پایه مفهوم سیر (جابجائی) برای زوج‌های متأهل در نظر گرفتند که نتایج، از طریق تحلیل رابطه همدلی برای بالا بردن خودآگاهی و همسویی زوجین انجام گردید. مهارت‌های ارتباطی از جمله صحبت کردن، ذرک، احساس، تفکر و تعامل با دیگران در کاهش تضاد بین زوجین مؤثر بوده است.

کایلیان و سیگوک (۲۰۰۹) بمنظور بررسی تاثیر تعارضات زناشویی بر سلامت روان و حمایت اجتماعی زناشویی بر حمایت اجتماعی و سلامت روان زوجین در مالزی مطالعه‌ای انجام دادند، نتایج این پژوهش نشان داد که روشی که در آن زوجین با کشمکشها و تعارضات خود برخورد می‌کنند، بر سلامت روان آنها تاثیر میگذارد. همچنین، توانایی زوجین در برخورد با تعارضات با حمایت اجتماعی درک شده آنها ارتباط دارد. به این معنی که یک شخص با یک روش بهتر پرداختن به تعارض و حمایت اجتماعی بیشتر و بهتر، به احتمال زیاد، دارای سلامت روان بالاتری است.

روبیلا و کریشناکومر (۲۰۰۵) در پژوهشی که با هدف بررسی روابط متقابل بین فشار اقتصادی، افسردگی زنان، حمایت اجتماعی و تعارضات زناشویی در مورد نمونه‌ای شامل ۲۳۹ نفر از زنان در رومانی انجام شد، به این نتیجه دست یافتند که سطوح بالای فشار اقتصادی با سطوح بالای تعارضات رابطه دارد. همچنین، فشار اقتصادی به گونه غیرمستقیم به وسیله افزایش افسردگی زنان و پایین آمدن حمایت اجتماعی با تعارضات زناشویی رابطه دارد. همچنین، نتایج نشان دادند که سطوح بالای فشار اقتصادی با افزایش درماندگی روانشناختی و در نتیجه، با افزایش تعارضات زناشویی رابطه داشت.

لزلی و دیگران (۲۰۰۵) به بررسی چگونگی شکل‌گیری برانگیختگی عاطفی همسران و تاثیر منفی آن در پاسخ به تعارضات زناشویی بر اساس جنسیت بود که در مورد دو گروه نمونه انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد که زنان سطوح بالاتری از برانگیختگی عاطفی منفی و اثرات منفی آن را در جریان تعامل و ارتباط گزارش کرده اند زیرا آنان بیشتر کناره‌جو بودند.

## چارچوب نظری پژوهش

### نظریه تضاد

تمامی نظریه‌های تضاد گرا معتقد به اصل نابرابری قدرت بوده و معتقدند که نابرابری قدرت را می‌توان در درون خانواده و در روابط بین اعضای آن مشاهده نمود. این نظریه سعی می‌کند خانواده را نهادی سرکوبگر معرفی کند. نظریه‌های تضادگرا تلاش می‌کند رابطه قدرت در خانواده را بعنوان مهم‌ترین ویژگی قابل مطالعه برجسته سازند و این باور را بقبولانند که تمامی اشکال خانواده تحت تاثیر نابرابری روابط قدرت بین اعضای آن قرار دارد و همین نابرابری است که موجب تحول ساختار خانواده در طول زمان گردیده است. (مک کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰: ۵۹). بسیاری از متفکران کلاسیک مکتب تضاد از قبیل هابز، مارکس و انگلس کمبود منابع را بعنوان پیش فرض اصلی این دیدگاه مورد توجه قرار داده اند. اگر ارزش اضافی منابع در حدی باشد که انسانها قادر باشند به منابع مورد نظر خود برسند، دیگر دلیلی

برای بروز تعارض وجود ندارد. از آنجا که این امر در واقعیت جامعه محقق نمی شود، بروز تضاد میان افراد و گروهها در تمام نهادهای اجتماعی اجتناب ناپذیر است. برخی نظریه پردازان خانواده از قبیل اسپری واسکانزونی از این پیش فرض برای بررسی تعارضات خانواده بهره گرفتند و به نظر آنان ایده منابع و قدرت ماهیت اصلی و واقعی تضاد های خانواده را شامل می شود (وایت و کلین، ۲۰۰۷: ۳۸).

یکی از جامعه شناسان پیشگام و برجسته در نظریه تضاد گنورگ زیمل است. زیمل در نظریه تضاد اولاً معتقد است که تضاد امری هر روزه و جاری در حیات اجتماعی است. از نظر او تضاد هم کارکرد مثبت دارد و هم منفی و تحت شرایط خاصی خشونت بار و ویرانگر می شود. قضایای قابل استخراج از کار زیمل کلی هستند اما به راحتی می توان آن را به خانواده تعمیم داد و منطبق کرد.

از نظر زیمل تضاد اگر خشونت و تراکم کمی داشته باشد انسجام همسازی و تغییر را ارتقا می دهد. اما اگر افراد تضاد را روشی برای رسیدن به اهداف فردی و منافع شخصی ببینند همراه با برانگیختگی احساسی احتمال تضاد خشونت بار افزایش می یابد اما هر چه منافع طرف های درگیر بهتر بیان شده باشد و هر چه تمرکز بر اهداف بیشتر باشد استفاده از روشهای کمتر مبارزه جویانه مانند مذاکره و توافق برای رسیدن به اهداف مشخص گروهها محتمل تر است برای نمونه در روابط زناشویی بیشتر در اوایل شکل گیری خانواده وقتی اهداف خوب بیان نشده اند تضاد و تعارض زیادی وجود دارد اما وقتی اهداف روشن شوند و خواسته ها خوب بیان شوند تعارضات بیشتر با اشکال کمتر تعارض و چانه زنی جایگزین می شود (ترنر، ۱۳۹۴: ۲۷۴-۲۷۲).

کوزر یکی دیگر از نظریه پردازان تضاد تضاد را بیشتر با ادبیات نابرابری و مشروعیت بیان می کند. از نظر او در یک نظام نابرابر اگر نابرابری مشروعیت داشته باشد تضادی رخ نمی دهد. درست مانند خانواده سنتی که در آن نابرابری در دسترسی به منابع و اختیارات میان زن و مرد مشروع است و در عین حال تعارض کمتری رخ می دهد. اما هنگامی که در یک نظام نابرابر اعضای فرودست مشروعیت نظام موجود را به پرسش گیرند تعارضات آغاز می شود. اگر کانالهای ابراز ناراضی و راه ارتقای پایگاهی مسدود باشد احساس بی عدالتی افزایش یابد اگر طرف فرادست رابطه توانایی اعمال محدودیتهای بیرونی برای فرودستان را نداشته باشد و محدودیتهای درونی فرودستان را برای ارتقا محدود نکند تعارض زیادی به وجود می آید. از نظر کوزر اگر تعارض بر سر ارزشهای اصلی رخ بدهد یا تضاد دراز مدت شده و ادامه پیدا کند سطح برانگیختگی عاطفی و درگیری در تعارض بیشتر بوده و احتمال خشونت در این تعارض هم بیشتر خواهد شد. از سوی دیگر وقتی ابزارهای نهادین برای حل و فصل تعارض و تنش کمتر در دسترس باشد (مثلاً ضعف قانونی یا نبود حمایت اجتماعی مناسب) تضاد خشونت بار تر خواهد بود. از سوی دیگر اگر طرفهای درگیر دریابند که دستیابی کامل به هدفشان تنها با هزینه های بسیار ممکن است تعارض کوتاه تر خواهد شد و این امر وقتی اتفاق می افتد که بین دو طرف برابری قدرت وجود داشته باشد یا نشانه های شکست یا پیروزی کاملاً مشخص باشد (ترنر، ۱۳۹۴: ۲۹۰-۲۸۶). روشن است که تمام این قضایا را می توان برای تعارضات خانوادگی بکار برد.

یکی دیگر از نظریه پردازان تضاد راندال کالینز است. کالینز در سنت نظری کنش متقابل دوسویه به موضوع تضاد می پردازد. به همین دلیل تاکید زیادی روی گفتگو و کنش متقابل قبلی و اثرات آن در تعارضات پیش رو دارد. از نظر او احتمال گفتگو بین افراد وقتی بیشتر می شود که زمان بیشتری را با هم گذرانده باشند، دریافتیهای عاطفی که از

مبادلات ارتباطی پیشین بدست آمده بیشتر باشد بعلاوه هر چه منابع در دسترس دو طرف تعارض شباهت بیشتری با هم داشته باشد احتمال بیشتری وجود دارد که گفتگوها بیشتر شخصی، انعطاف پذیر و دراز مدت باشد (ترنر، ۱۳۹۴: ۳۰۶). به نظر کالینز ازدواج امری است که طی یک فرایند معامله و مذاکره حتی در سطح نمادی و احساسی بوجود می آید. به نظر وی تمام خانواده ها در شرایطی دچار تعارض می شوند. از دیدگاه او منابع تضاد در خانواده بویژه در میان زن و مرد وابسته به منابع قدرت و نیز استرس‌هایی است که در طول زندگی آنها بوجود می آید (منصوریان و فخرایی، ۱۳۸۷: ۸۷) به نظر کالینز برای پاسخ دادن به اینکه چرا تضاد و خشونت در ازدواج‌های امروز روی می‌دهد، چهار تبیین اصلی جامعه شناختی وجود دارد که عبارتند از: ۱- حق مالکیت جنسی، ۲- فشار اقتصادی، ۳- انتقال بین نسلی تعارضات، ۴- کنترل اجتماعی. حق مالکیت جنسی، نگرش سنتی پدر سالاری مبتنی بر این ایده است که زنان ازدواج کرده از نظر اقتصادی، جنسی و احساسی بخشی از دارایی شوهران خود به شمار می‌روند. مردان حق طبیعی خود را می‌دانند که هر نوع رفتاری را خواستند با زن خود انجام دهند. به نظر کالینز میزان تعارضات خانواده در هنگام فشارهای اقتصادی افزایش پیدا می‌کند، بویژه در میان طبقات پایین جامعه این عامل نقشی عمده ایفا می‌کند. و شواهدی وجود دارد مبتنی بر اینکه تعارضات خانواده بویژه خشونت علیه زنان از نسل‌های قبل به نسل بعد منتقل می‌شود. بعلاوه خانواده به عنوان نهادی است که کمتر در معرض کنترل و نظارت اجتماعی قرار دارد. به خصوص در گذشته، در این صورت زنان و کودکان که قربانیان اصلی تضاد و خشونت بودند از دید عموم پنهان می‌مانند. از دیدگاه کالینز تضاد در خانواده بویژه میان زن و مرد وابسته به منابع قدرت آنها و نیز استرس‌هایی است که در طول زندگی آنها بوجود می‌آید. (کالینز، ۲۰۰۴ و کالینز، ۱۹۹۸ به نقل از سروش و البرزی، ۱۳۹۷: ۲۲) منابع قدرت در خانواده شامل اشتغال زن و مرد، شبکه روابط اجتماعی هر کدام از آنها، موقعیت‌های جنسی، میزان درآمد و تحصیلات است (منصوریان و فخرایی، ۱۳۸۶ به نقل از منبع پیشین).

## فرضیات پژوهش

- بین سن و تعارضات زناشویی، رابطه آماری معناداری وجود دارد.
- بین مدت ازدواج و تعارضات زناشویی، رابطه آماری معناداری وجود دارد.
- بین تعداد فرزندان و تعارضات زناشویی، رابطه آماری معناداری وجود دارد.
- بین وضعیت اشتغال و تعارضات زناشویی، رابطه آماری معناداری وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات و تعارضات زناشویی، رابطه آماری معناداری وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات همسر و تعارضات زناشویی، رابطه آماری معناداری وجود دارد.

## روش پژوهش

مطالعه حاضر یک پژوهش کمی بوده که با تکنیک پیمایش انجام شده است. جامعه آماری، شامل زنان متأهل شهر بوشهر بوده که در زمان انجام پژوهش، با همسر خود زندگی می‌کنند. حجم نمونه مورد نیاز برای جامعه مورد، مطابق با فرمول کوکران، برابر با ۳۸۴ نفر تعیین شد. زنان پاسخگو با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و با استفاده از

بلوک بندی مرکز آمار ایران و بر اساس شاخص های مدنظر در پژوهش، انتخاب شده اند. این شاخص ها عبارتند از: داشتن همسر (زوج بودن) و زندگی کردن با او در زمان جمع آوری اطلاعات. داده های مورد نیاز نیز با استفاده از پرسشنامه گرد آوری شده است. مقیاس مذکور، پرسشنامه تعارضات زناشویی است که به عنوان گام اول شبکه برنامه توسط پژوهشگران جهاد دانشگاهی فارس تهیه شده است، دارای ۵۰ گویه است که جهت سنجش موضوعات مهم تعارض ساخت و اعتباریابی شده است. روایی ابزار با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و بررسی همبستگی آن با رضایت زناشویی و بی ثباتی زناشویی مورد بررسی قرار گرفته است. (جمشیدی، عرب مقدم، ۱۳۹۵: ۲۰۱). پس از جمع آوری داده ها، پالایش و ورود آنها به کامپیوتر، با استفاده از نرم افزار spss تجزیه و تحلیل انجام شده است.

### یافته های پژوهش

در مطالعه حاضر، شدت تعارضات زناشویی در موضوعات مختلف نیز مورد بررسی قرار گرفت و نتایج بدست آمده نشان داد که از ۲۴ گویه که تعارض در مورد روابط بین زوجین را می سنجد حداقل نمره صفر و حداکثر آن ۷۲ بوده است. میانگین نمرات ۲۲/۸ محاسبه شده است. با توجه به اینکه نمره این متغیر می تواند بین صفر تا ۱۰۰ باشد میانگین نمرات بدست آمده زیر میانگین حسابی طیف بوده است. شدت تعارضات در حوزه ناتوانی مالی با ۵ گویه اندازه گیری شده است و نمرات می تواند بین صفر تا ۲۵ متغیر باشد. حداکثر نمره در این سنجه ۱۹ محاسبه شده و میانگین نمرات ۳/۵ بوده است. در مورد تعارض در حوزه ارتباط با خانواده پدری تعداد گویه ها ۵ گویه بوده است بنابراین حداکثر نمره می تواند ۲۵ باشد. حداکثر محاسبه شده در این حوزه ۲۰/۵ بوده که نمره بالایی محسوب می شود با این حال میانگین نمرات کمتر از ۵ است. مشکلات شخصیتی همسر با ۶ گویه اندازه گیری شده است بنابراین حداکثر نمره می تواند ۳۰ باشد. حداکثر نمره در این سنجه ۲۱ محاسبه شده و میانگین نمرات ۴/۲۸ بدست آمده است. تعارض بر سر انتظارات غیر واقعی اقتصادی با ۴ گویه اندازه گیری شده بنابراین حداکثر نمره می تواند ۲۰ باشد. حداکثر محاسبه شده در این سنجه ۱۷/۵ بوده است و میانگین این بعد ۴/۸۴ محاسبه شده است. تعارض بر سر فرزندان با ۶ گویه اندازه گیری شده و حداکثر نمره محاسبه شده در آن ۲۰/۵ بوده است. مجموع تعارضات در تمام حوزه ها شدت کل تعارضات در خانواده را نشان می دهد. از ۵۰ گویه مطرح شده حداکثر نمره ۲۵۰ قابل استخراج است. نتایج نشان می دهد حداقل نمره خانواده های مورد بررسی در تعارضات خانوادگی ۳ و حداکثر ۱۵۲ با میانگین نزدیک به ۴۴ بوده است. اگر نمره صفر تا ۸۳/۵ را تعارض کم، ۸۳/۵ تا ۱۶۷ را تعارض متوسط و ۱۶۷/۱ تا ۲۵۰ را تعارض زیاد در نظر بگیریم. میانگین شدت تعارضات خانواده های مورد بررسی در محدوده متوسط قرار می گیرد.

جدول ۱- شدت تعارضات زناشویی در موضوعات مختلف در خانواده پاسخگویان

موضوعات تعارض	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	واریانس
رابطه بین همسران	۰	۷۲	۲۲/۸۸	۱۵/۳۷	۲۳۶/۴۲
ناتوانی مالی	۰	۱۹	۳/۵	۳/۶	۱۳/۳۹
ارتباط با خانواده پدری	۰	۲۰/۵	۴/۵۷	۴/۱۳	۱۷/۰۴
مشکلات شخصیتی	۰	۲۱	۴/۲۸	۴/۰۳	۱۶/۲۱



انتظارات غیر واقعی اقتصادی	۰	۱۷/۵	۴/۸۴	۳/۲۹	۱۰/۸۳
فرزندان	۰	۲۰/۵	۳/۹۲	۳/۸۶	۱۴/۸۹
شدت کل تعارضات	۳	۱۵۲	۴۳/۹۸	۲۹/۹	۸۹۴/۲۵

یکی از فرضیات مطرح شده در مطالعه حاضر، رابطه میان سن و تعارضات زناشویی است. آمار توصیفی حاصل از آزمون این فرضیه نشان داد که میان سن و تعارضات زناشویی رابطه آماری معناداری وجود داشته و این فرضیه تأیید شده است. همانطور که در جدول شماره ۲- مشاهده میشود به منظور بررسی رابطه بین سن و میزان تعارضات زناشویی از تکنیک آماری رگرسیون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله، همبستگی ضعیفی ( $R = 0.130$ ) بین سن و میزان تعارضات زناشویی وجود دارد. مقدار  $R^2 = 0.017$  نشان می‌دهد که متغیر سنتوانسته است، تنها ۱.۷ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید. ضریب  $B = -0.01$ ، نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (سن)، ۰.۰۱ واحد از متغیر وابسته (میزان تعارضات زناشویی)، کاسته می‌شود. با توجه به مقادیر  $T = -2.52$ ،  $F = 6.36$  و  $Sig = 0.012$ ، رابطه‌ی مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۵ درصد معنی دار می‌باشد، لذا فرضیه فوق تأیید می‌شود.

### جدول ۲- آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون متغیر سن و میزان تعارضات زناشویی

نام متغیر	R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> Ad	Std. Error	B	Beta	T	F	Sig
سن	۰.۱۳۰	۰.۰۱۷	۰.۰۱۴	۰.۷۱	-۰.۰۱۰	-۰.۱۳۰	-۲.۵۲	۶.۳۶	۰.۰۱۲

دومین فرضیه مورد نظر در این پژوهش، رابطه میان مدت ازدواج (طول ازدواج) و تعارضات زناشویی که این فرضیه نیز پذیرفته شده است. در جدول شماره ۳- مشاهده می‌شود که به منظور بررسی رابطه بین مدت ازدواج و میزان تعارضات زناشویی از تکنیک آماری رگرسیون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله، همبستگی ضعیفی ( $R = 0.111$ ) بین مدت ازدواج و میزان تعارضات زناشویی وجود دارد. مقدار  $R^2 = 0.012$  نشان می‌دهد که متغیر مدت ازدواج نتوانسته است، تنها ۱.۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید. ضریب  $B = -0.007$ ، نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (مدت ازدواج)، ۰.۰۰۷ واحد از متغیر وابسته (میزان تعارضات زناشویی)، کاسته می‌شود. با توجه به مقادیر  $T = -2.15$ ،  $F = 4.65$  و  $Sig = 0.032$ ، رابطه‌ی مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۵ درصد معنی دار می‌باشد، لذا فرضیه فوق تأیید می‌شود.

### جدول ۳- آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون متغیر مدت ازدواج و میزان تعارضات زناشویی

نام متغیر	R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> Ad	Std. Error	B	Beta	T	F	Sig
مدت ازدواج	۰.۱۱۱	۰.۰۱۲	۰.۰۱۰	۰.۷۱	-۰.۰۰۷	-۰.۱۱۱	-۲.۱۵	۴.۶۵	۰.۰۳۲

سومین فرضیه که در این مطالعه مورد آزمون قرار گرفت، رابطه میان تعداد فرزندان و تعارضات زناشویی است که این فرضیه نیز پذیرفته شده است. با توجه به جدول شماره ۴- به منظور بررسی رابطه بین تعداد فرزندان و میزان تعارضات زناشویی از تکنیک آماری رگرسیون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله، همبستگی ضعیفی ( $R = 0.108$ )

( بین تعداد فرزندان و میزان تعارضات زناشویی وجود دارد. مقدار  $R^2 = 0.012$  نشان می‌دهد که متغیر تعداد فرزندان توانسته است، تنها ۱.۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید. ضریب  $B = -0.060$  نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (تعداد فرزندان)، ۰.۰۱ واحد از متغیر وابسته (میزان تعارضات زناشویی)، کاسته می‌شود. با توجه به مقادیر  $T = -2.10$ ،  $F = 4.41$  و  $Sig = 0.036$ ، رابطه‌ی مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار می‌باشد، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

#### جدول ۴- آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون متغیر تعداد فرزندان و میزان تعارضات زناشویی

نام متغیر	R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> Ad	Std. Error	B	Beta	T	F	Sig
تعداد فرزندان	۰.۱۰۸	۰.۰۱۲	۰.۰۰۹	۰.۷۱	-۰.۰۶۰	-۰.۱۰۸	-۲.۱۰	۴.۴۱	۰.۰۳۶

رابطه میان تحصیلات زن و تعارضات زناشویی یکی دیگر از فرضیات مهم در پژوهش حاضر بوده که آزمون آماری داده‌ها نشان داد که این فرضیه رد شده است. در جدول شماره ۵- به منظور بررسی رابطه بین تحصیلات زن و میزان تعارضات زناشویی از تکنیک آماری رگرسیون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله و سطح معناداری مشاهده شده ( $Sig = 0.083$ )، میان این دو متغیر رابطه آماری معناداری وجود نداشته لذا فرضیه فوق تایید نمی‌شود.

#### جدول ۵- آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون متغیر تحصیلات زن و میزان تعارضات زناشویی

نام متغیر	R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> Ad	Std. Error	B	Beta	T	F	Sig
تحصیلات زن	۰.۰۹۰	۰.۰۰۸	۰.۰۰۵	۰.۷۱	۰.۰۱۵	۰.۰۹۰	۱.۷۳	۳.۰۲	۰.۰۸۳

پنجمین فرضیه مورد بررسی در مطالعه حاضر، بررسی رابطه میان تحصیلات همسر و میزان تعارضات زناشویی می‌باشد که آزمون فرضیات نشان داد که میان دو متغیر تحصیلات همسر و تعارضات زناشویی رابطه آماری معناداری وجود ندارد. در جدول شماره ۶- به منظور بررسی رابطه بین تحصیلات همسر و میزان تعارضات زناشویی از تکنیک آماری رگرسیون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله و سطح معناداری مشاهده شده  $Sig = 0.0765$  میان این دو متغیر رابطه آماری معناداری وجود ندارد و لذا فرضیه فوق تایید نمی‌شود.

#### جدول ۶- آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون متغیر تحصیلات همسر و میزان تعارضات زناشویی

نام متغیر	R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> Ad	Std. Error	B	Beta	T	F	Sig
تحصیلات همسر	۰.۰۱۵	۰.۰۰۰	-۰.۰۰۲	۰.۷۲	۰.۰۰۳	۰.۰۱۵	۰.۲۹	۰.۰۸۹	۰.۷۶۵

فرضیه مرتبط با تفاوت آماری میان وضعیت اشتغال و تعارضات زناشویی نیز در این پژوهش مورد سنجش و بررسی قرار گرفت و مشاهده شد که این فرضیه نیز رد شده است. در جدول شماره ۷- به منظور بررسی رابطه بین وضعیت اشتغال و میزان تعارضات زناشویی از تکنیک آماری رگرسیون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله و سطح

معناداری مشاهده شده  $\text{Sig} 0.798$  میان این دو متغیر تفاوت آماری معناداری وجود ندارد و لذا فرضیه فوق تایید نمی-شود.

جدول ۷- آزمون تفاوت تعارضات زناشویی بر حسب وضعیت اشتغال

متغیر	فراوانی	میانگین نمرات	انحراف استاندارد	T	سطح معنی داری
شاغل	۱۳۳	۱.۰۲	۰.۷۳	۰.۶۷۹	۰.۷۹۸
غیر شاغل	۲۴۲	۰.۹۶	۰.۷۱		

### نتیجه گیری

دگرگونی همه جانبه در جامعه امروزی، نهاد خانواده را نیز از تغییرات ناگزیر در امان نگذاشته و آن را دستخوش تغییرات مهم کرده است. یکی از موضوعاتی که طبیعتاً تمام خانواده ها با آن مواجه هستند تعارضات زناشویی است. اما نکته مهم که می تواند خانواده را دچار بحران جدی سازد، میزان و شدت این تعارضات است. لذا با توجه به دامنه اثرگذاری و اهمیت این موضوع، مطالعه حاضر به شناسایی علمی مولفه های موثر بر تعارضات زناشویی پرداخته است. یافته های توصیفی در این مطالعه نشان داد که پاسخگویان حداقل ۲۰ سال و حداکثر ۶۶ سال سن داشته اند. میانگین سنی آنها بیش از ۳۹ سال بوده است. انحراف معیار سن زن و شوهر تقریباً برابر است. پاسخگویان بین یک تا ۴۴ سال با هم زندگی کرده بودند. میانگین مدت ازدواج در میان پاسخگویان ۱۶/۴۲ سال محاسبه شده است. خانواده های مورد بررسی از بدون فرزند تا ۷ فرزند داشته اند و میانگین تعداد فرزند در خانواده ۲/۱ فرزند بوده است. نتایج نشان می دهد که ۳۱/۷ درصد از زنان پاسخگو شاغل بوده اند فراوان ترین میزان تحصیلات در میان زنان پاسخگو تحصیلات در حد فوق دیپلم و لیسانس بوده است. تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر در میان زنان ۶/۷ درصد فراوانی داشته است. میانگین تحصیلات زنان ۱۱/۹۶ سال است. مقایسه بین نسلی میانگین تحصیلات نشان می دهد که در طول یک نسل میانگین تحصیلات خانواده ها بسیار بالا آمده است (از زیر ۶ سال به بالای ۱۱/۵ سال) و نابرابری در تحصیلات زن و مرد تقریباً از میان رفته است.

از جمله یافته های استنباطی در مطالعه حاضر، رابطه آماری مستقیم و معنادار میان سن و تعارضات زناشویی است. بدین معنا که هر چه سن افزایش می یابد، شدت تعارضات کاهش پیدا می کند. این یافته با پژوهشهای سروش و البرزی (۱۳۹۷)، پهلوان (۱۳۹۴)، یوسفی و عزیز (۱۳۹۷) و نوتاش (۱۳۸۹) همسویی دارد. ارتباط بین سن و کاهش شدت تعارضات را می توان به دو صورت تبیین کرد. اول به نظر می رسد افزایش سن و سپری کردن سالهای بیشتر با هم و در نتیجه شناخت بیشتر و کنار آمدن با یکدیگر شدت تعارضات را کاهش می دهد و در ثانی می توان گفت کسانی که سن بیشتری دارند یعنی سالهای بیشتری از ازدواجشان می گذارد احتمالاً از ابتدا همفکری و همخوانی بیشتر و تعارضات کمتری داشته اند. همچنین مشاهده شد که تعداد فرزندان نیز با تعارضات زناشویی رابطه آماری معنادار و معکوس دارد و داشتن فرزند و داشتن بیش از یک فرزند، تعارضات را کاهش می دهد. سروش و البرزی (۱۳۹۷) نیز به این رابطه دست یافته اند.

از دیگر یافته‌های مشاهده شده در مطالعه حاضر، رابطه معنادار مستقیم میان مدت ازدواج (طول ازدواج) با تعارضات زناشویی است بدین شکل که هرچه مدت ازدواج، طولانیتر باشد تعارضات زناشویی کاهش می‌یابد. این یافته نیز توسط پژوهشهای سروش و البرزی (۱۳۹۷) و پهلوان (۱۳۹۴) تایید شده اما در مطالعه کارولین (۲۰۱۴) نتیجه عکس، مشاهده شد. فرضیه دیگری که آزمون شد رابطه میان وضعیت اشتغال و تعارضات زناشویی می‌باشد که این رابطه، تأیید نشده در حالی که در مطالعه یگانه مهر (۱۳۹۲) و یوسفی و عزیزی (۱۳۹۷) نتیجه عکس مشاهده شد و رابطه اماری معنادار میان وضعیت اشتغال و تعارضات زناشویی وجود داشت. تحصیلات پاسخگو نیز یکی دیگر از متغیرهای مورد بررسی در مطالعه حاضر بود که یافته‌ها نشان داد میان متغیر مذکور و تعارضات زناشویی رابطه اماری معناداری وجود ندارد در حالیکه در برخی پژوهشها از جمله مطالعه منصوریان و فخرایی (۲۰۰۸) و نوتاش (۱۳۸۹) میان این دو متغیر رابطه اماری مستقیم و معناداری مشاهده شد اما یافته برخی پژوهشها نیز مانند مطالعه کارولین (۲۰۱۴) با یافته حاضر همسویی دارد. آخرین فرضیه مورد بررسی در تحقیق حاضر نیز مورد تأیید قرار نگرفت و مشاهده شد که میان تحصیلات همسر و تعارضات زناشویی رابطه اماری وجود ندارد. این یافته نیز در مطالعه کارولین (۲۰۱۴) مشاهده شد در حالی که یوسفی و عزیزی (۱۳۹۷) و نوتاش (۱۳۸۹) به نتیجه عکس، دست یافته و مشاهده کردند که میان این دو رابطه اماری معنادار وجود دارد. در مجموع با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان به نقش مولفه‌های اجتماعی فرهنگی در بروز و میزان تعارضات زناشویی اشاره کرد که به شدت نهاد خانواده را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. این در حالی است که اغلب، تعارضات زناشویی را به عنوان یک مسأله در حوزه روانشناختی تلقی کرده و مورد مطالعه قرار می‌گیرد. لذا لازم است تا هم در فاز مطالعاتی و پژوهشی به رویکرد جامعه‌شناختی نزدیکتر شد و هم مسئولین مربوطه در فاز عملیاتی بیش از پیش به نقش مولفه‌های اجتماعی فرهنگی پرداخته و از پژوهشهای اجتماعی بهره‌گیرند.

## منابع

- ۱- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: انتشارات سمت.
- ۲- بابایی، انسیه (۱۳۹۷). پیش‌بینی تعارضات زناشویی درگیر خشونت خانگی براساس طرحواره‌های جنسی، عملکرد جنسی و رضایت جنسی. نشریه روان پرستاری. دوره ۶. شماره ۵. ۲۳-۱۶.
- ۳- بلالی، اسماعیل، بختیاری سفر، زهره، محمدی، اکرم، محقق، حسین. (۱۳۹۵). (عوامل مؤثر بر تضاد نقش‌های زنان و رابطه آن با تعارضات خانوادگی در شهر همدان. جامعه‌شناسی کاربردی. doi: 10.22108/jas.2017.21165, 117-132, 27(4),
- ۴- پهلوان مینا، موتابی فرشته، مظاهری محمدعلی (۱۳۹۴). واکنش به تعارضات زناشویی: مطالعه‌ای بین‌نسلی. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (۲۱): ۲۰۲-۲۱۴.
- ۵- ترنر، جانانان (۱۳۹۴). نظریه‌های نوین جامعه‌شناسی، ترجمه علی اصغر مقدس و مریم سروش، انتشارات جامعه‌شناسان.
- ۶- ثناگوی محرر، غلامرضا. طباطبایی، وجیهه سادات. کیخا، سهیلا و سعیده، سروش (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر ناسازگاری زوجین در ایرانشهر. مطالعات علوم اجتماعی. دوره ۳. شماره ۲. ۱۱۳-۱۰۵.

- ۷- جمشیدی، بهنام؛ عرب مقدم، نرگس (۱۳۹۵). تهیه و تدوین ابزار سنجش تعارضات زناشویی. گزارش طرح پژوهشی، جهاد دانشگاهی فارس.
- ۸- رسولی یوسف، فلاحت عنایت الله (۱۳۹۲). تأثیر روش فعال حل مسئله بر تعارضات زناشویی در شهر یاسوج. ارمغان دانش. ۱۸ (۱۰) ۸۵۹-۸۶۸.
- ۹- رضاپور، رویا. ذاکری، محمدمهدی و ابراهیمی، لقمان (۱۳۹۶). پیش بینی خودشیفتگی، ادراک تعاملات اجتماعی و تعارضات زناشویی بر اساس استفاده از شبکه های اجتماعی. خانواده پژوهی. شماره ۵۰. ۲۱۴-۱۹۷.
- ۱۰- زاهدی اصل، محمد و حسینی، مجید (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان اختلاف خانوادگی در شهر بوشهر. برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. شماره ۱۱. ۳۲-۱.
- ۱۱- ساروخانی، باقر (۱۳۸۹). نگاهی به جامعه شناسی خانواده در ایران. تهران، انتشارات امداد.
- ۱۲- سروش، مریم و البرزی، صدیقه (۱۳۹۷). مطالعه رابطه سرمایه های در اختیار زوجین و تعارضات زناشویی. طرح ۱۳- پژوهشی استانداری فارس. ۲۲.
- ۱۴- سفیری، خدیجه و آراسته، راضیه (۱۳۸۷) «بررسی رابطه سرمایه اقتصادی زنان با نوع روابط همسران در خانواده»، مجله علمی پژوهشی تحقیقات زنان، سال دوم، شماره اول، ۱۴۷-۱۱۴.
- ۱۵- سفیری، خدیجه، آراسته، راضیه و موسوی، مرضیه (۱۳۸۹) «تبیین رابطه میزان سرمایه فرهنگی زنان شاغل با نوع روابط همسران در خانواده»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۸، شماره ۱، ۲۹-۷.
- ۱۶- عجم، علی اکبر. (۱۳۹۵). تأثیر «آموزش های مستقیم و غیرمستقیم ماهواره ای» بر «تعارضات زناشویی» و «نگرش به خیانت زناشویی». مطالعات اسلام و روانشناسی، ۱۰ (۱۸)، ۱۲۵-۱۴۶.
- ۱۷- قرائتی، مهدی (۱۳۸۸). خانواده از رویای عشق تا واقعیت قانون، تهران: انتشارات پرتوخورشید، چاپ اول
- ۱۸- فیضی منش، بهزاد و یاراحمدی، یحیی (۱۳۹۶). بررسی رابطه منع کنترل و خودکارآمدی با تعارضات زناشویی در دانشجویان. مجله مطالعات ناتوانی. شماره ۷. ۷-۱.
- ۱۹- مک کارتی، جین رینز، روزالیند ادواردز (۱۳۹۰). مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده. ترجمه محمد مهدی لیبی. تهران. انتشارات علم.
- ۲۰- منصوریان، کریم و فخرایی، سیروس (۱۳۸۷). تحلیل تعارضات همسران در خانواده های شهر شیراز. مجله تحقیقات زنان. شماره ۲. ۱۱۳-۷۵.
- ۲۱- نوتاش، مریم (۱۳۸۹). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی خانواده بر ناسازگاری همسران. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی. دانشگاه پیام نور. تهران.
- ۲۲- نیک نظر، پیمان؛ حمداله صالحیان منفرد و سید برزو جمالیان زاده، ۱۳۹۸، بررسی عوامل موثر بر ناسازگاری خانوادگی زوجین در شهر یاسوج، ششمین کنفرانس ملی روانشناسی، علوم تربیتی و اجتماعی، بابل، موسسه علمی تحقیقاتی کومه علم آوران دانش، [https://www.civilica.com/Paper-SEPP06-SEPP06\\_006.html](https://www.civilica.com/Paper-SEPP06-SEPP06_006.html)
- ۲۳- یگانه مهر، زهرا. (۱۳۹۲). بررسی عوامل ناسازگاری زناشویی در شهرستان گرمسار در سال ۱۳۹۰. فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی سمنان، ۳ (۷)، ۷۲-۵۵.

- ۲۴- یوسفی، ناصر، عزیزی، آرمان. (۱۳۹۷). تبیین مدلی برای پیش بینی تعارض زناشویی بر اساس تمایز یافتگی و تیپ های شخصیتی. فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۹(۳۵)، ۵۷-۷۸.
- ۲۵- عطادخت، اکبر. هاشمی، جواد و جسارتی، علی (۱۳۹۵) نقش میزان پابندی زنان خانواده ها به سبک زندگی اسلامی در پیش بینی تعارضات خانوادگی. *مجله پژوهشهای انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده*. شماره ششم.
- 26- Brody GH, Stoneman Z, McCoy JK. (1994). Forecasting sibling relationships in early adolescence from child temperaments and family processes in middle childhood. *Child Dev.* 65:771.84.
- 27- Callian, T. & Siewgeok, L. (2009). *A study of marital conflict on measures on social support and mental health*. sunway university collage
- 28- Caroline Aduke Tolorunleke (2014). Causes of Marital Conflicts Amongst Couples in Nigeria: Implication for Counselling Psychologists. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. Volume 140, 22 August 2014, Pages 21-26.
- 29- Coyne JC, Downey G. (1991). Social factors and psychopathology: stress, social support, and coping processes. *Annu. Rev. Psychol.* 42:401.25.
- 30- Erel O, Burman B. (1995). Interrelatedness of marital relations and parent-child relations: a meta-analytic review. *Psychol. Bull.* 118:108.32.
- 31- Horvitz, A.V., Helene, R. W., & Sandra, H. W. (2006). Becoming marital and mental health: A longitudinal study of a cohort of young adults. *Journal of Marriage and the Family Therapy*, 58, 895-907
- 32- Huang, R. L., Lu, Z., Liu, J. You, Y. M., Pan, Z. Wei, Z., ... & Wang, Z. (2009). Features and predictors of problematic internet use in Chinese college students. *Behaviour & Information Technology*, 28(5), 485-490.
- 33- Kerkhof, P., Finkenauer, C., & Muusses, L. D. (2011). Relational consequences of compulsive Internet use: A longitudinal study among newlyweds. *Human Communication Research*, 37(2), 147-173
- 34- Klein, D. M., & White, J. M. (1996). *Family theories: An introduction*. Sage Publications, Inc.
- 35- Lezly, L.V. Ann, B. Armand, D.C. & Robin, G. (2005). Emotional arousal and negative affect in marital conflict: the influence of gender, conflict structure, and demand - withdrawal. *European Journal of social psychology*, 4, 449
- 36- O'Leary KD, Smith DA. (1991). Marital interactions. *Annu. Rev. Psychol.* 42:191.212
- 37- Robila, M. & Krishnakumer, A. (2005). Effects of economic pressure on marital conflict in Romania. *Journal of family psychology*. 19(2):246-251
- 38- Soo-yeonkin (2013) Empirical application of empathy enhancing program based on movement concept for married couples in conflict-journal list-aug (2013)
- 39- Stephen V. Stutzman Roy A. Bean Richard B. Miller Randall D. Day Leslie L. Feinauer Chris L. Porter Adam Moore (2016). Marital conflict and adolescent outcomes: A cross-ethnic group comparison of Latino and European American youth. *Children and Youth Services Review*. Volume 33, Issue 5, May 2011, Pages 663-668.
- 40- Yang, X., Zhu, L., Chen, Q., Song, P., & Wang, Z. (2016). Parent marital conflict and Internet addiction among Chinese college students: The mediating role of father-child, mother-child, and peer attachment. *Computers in Human Behavior*, 59, 221-229.